

گایاتری چاکراورتی اسپیواک

| استیفان مورتنون | نجمه قابلی |

Gayatri Chakravorty Spivak

| Stepheny Morton | Najmeh Ghabeli |



گایاتری چاکراورتی اسپیواک |
استفان مورتون | ترجمه‌ی نجمه قابلی | ویراستار: محسن کاس‌نژاد |
مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |
مدیر تولید: مصطفی شریفی | چاپ: دالاهو | صحافی: کیمیا |
چاپ اول | ۱۳۹۲ تهران | ۱۱۰۰ نسخه |
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۹۳-۵۳-۴ |
فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین فروردین و فخررازی | پلاک ۱۲۷۴ |
تلفن فروشگاه: ۱۷ ۳۶ ۹۶ ۶۶ | ۴۵ ۳۵ ۴۶ ۶۶ | تلفکس: ۱۶ ۳۶ ۹۶ ۶۶ |
| www.bidgol.ir |
| همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است |

 Bidgol Publishing co. |  | نشر دorsa

/ سرشناسه: مورتون، استیون، ۱۹۷۲- م. Morton, Stephen /
 عنوان و نام پدیدآور: گایاتری چاکراورتی اسپیواک / استفان مورتون؛
 ترجمه‌ی نجمه قابلی / مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۳۹۲ /
 مشخصات ظاهری: ۲۶۱ ص / شابک: 978-600-5193-53-4 /
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا / یادداشت: عنوان اصلی: Gayatri
 Chakravorty Spivak, 2003 / موضوع: اسپیواک، گایاتری
 چاکراورتی Gayatri Chakravorty Spivak / موضوع: جامعه‌شناسان
 - هند - سرگذشتنامه / شناسه افزوده: قابلی،
 نجمه، ۱۳۵۶-، مترجم / رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰
 ۵ م ۸ الف / HM۴۷۹ / رده‌بندی دیویی: ۳۰۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۳۲۶۸۸ /

فهرست مطالب |

۱۱	چرا اسپيواك؟
۲۹	فصل اول: نظريّه، سياست و مسئله‌ي سبک
۴۳	فصل دوم: به‌کارگرفتن و اسازي
۷۵	فصل سوم: آموختن از فرودستان
۱۱۳	فصل چهارم: زنان «جهان سوم» و اندیشه‌ي فمينيسم غربي
۱۴۵	فصل پنجم: ماترياليسم و ارزش
۱۷۵	فصل ششم: استعمارگري، پسا-استعمارگري و متن ادبي
۲۱۳	پس از اسپيواك
۲۲۵	منابعي براي مطالعه‌ي بيشتري
۲۴۹	منابع و مأخذ
۲۵۷	نمايه

ا چرا اسپيواك؟ |

گاياتري چاڪراورتي اسپيواك را بيشتر به سببِ كاربرد آشكارا سياسي نظريه‌هاي انتقادي و فرهنگي معاصر براي به چالش كشيدن مرده ريگ استعمار در روش‌هاي خوانش و انديشيدن درباره‌ي ادبيات و فرهنگ مي‌شناسند. به علاوه، دامنه‌ي نظريه‌پردازي اسپيواك زمينه‌هاي گوناگوني را در برمي‌گيرد؛ از ماركسيسم و فمينيسم گرفته تا واسازي و نظريه‌ي پسااستعماري. هم‌چنين نظريه‌ي او درباره‌ي جهاني‌سازي نيز از نظريه‌هاي پيشرو در اين حوزه به شمار مي‌رود. اسپيواك هم مانند ديگر روشنفكران مطرح معاصر چون ادوارد سعيد¹ و همي بابا² مناسبات سنتي نقد ادبي و فلسفه‌ي آكادميك را با تمرکز بر متون فرهنگي مردماني كه اغلب توسط فرهنگ مسلط غرب به حاشيه رانده مي‌شوند، به چالش كشيده است.

تازه مهاجران، طبقه‌ي كارگر، زنان، و بردگان پسااستعماري از جمله‌ي اين افراد هستند.

اسپيواك، هم‌چنين با بازنمايي و حمايت از صداها و نوشته‌هاي چنين اقليت‌هايي برخي باورهاي مسلط دوران معاصر را به چالش كشيده است. براي مثال، يكي از اين باورها اين است كه جهان غرب از

1. Edward Said

2. Homi Bhabha

بقیه‌ی دنیا متمدن‌تر، مردم‌سالارتر و پیشرفته‌تر است و یا اینکه دوران پسااستعماری کنونی از برهه‌ی تاریخی قبلی استعمار اروپایی در قرن نوزدهم میلادی مدرن‌تر و پیشرفته‌تر است.

در حقیقت، از دیدگاه اسپیواک، تأثیرات استعمار اروپا ناگهان و به راحتی با استقلال یافتن مستعمره‌هایی پیشین در نیمه‌ی دوم قرن بیستم ناپدید نگشته است، بلکه ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفته در دوران سلطه‌ی استعمار زندگی و موجودیت ملت‌های پسااستعماری را آلوده است. این کشورها شامل طیف وسیعی می‌شوند؛ از ایرلند گرفته تا الجزایر، از هندوستان گرفته تا پاکستان و از جامائیکا تا مکزیک.

اسپیواک نیز مانند بسیاری از روشنفکران ضداستعمار چون فرانتس فانون^۱ و پارتا چاترجی^۲ بر این مسئله تأکید دارد که ملّی‌گرایی ضداستعماری چهره‌ای مشخصاً بورژوا دارد و به همین دلیل بسیاری آن را مولّد همان نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی می‌دانند که از زمان استعمار بر این کشورها غلبه داشته است. اسپیواک هم‌چنین به‌طور تلویحی بیان می‌کند که پیدایش ایالات متّحد آمریکا به‌عنوان یک قدرت اقتصادی جهانی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، نقشه‌های استعماری پیشین را به سود شرکت‌های مالی چندملّیتی و برگردی زنان جهان سوم دوباره ترسیم کرده است.

در نگاهی کلی، آنچه از تمامی این نظریه‌پردازی‌ها برمی‌آید اهمیّت مطالعه‌ی آثار گایاتری اسپیواک را آشکارتر می‌سازد، زیرا کمتر روشنفکر معاصر را می‌توان یافت که توانسته باشد متفکرانه با نظریه‌ی انتقادی و فرهنگی معاصر سروکار داشته باشد و در عین حال این دادوستد روشنفکرانه را در زمینه‌ی مناسبات سیاسی هر روزه

1. Frantz Fanon (1956-61)

2. Partha Chatterjee (1947-...)

درباره‌ی استعمارگرایی، پسااستعمارگرایی و تقسیم امروزین نیروی کار بین جهان پیشرفته و جهان سوم^۱ جای دهد.

گایاتری چاکراورتی اسپيواك

تفکر اسپيواك براساس تجربه‌ی مهاجرت پسااستعماری وی از هندوستان به ایالات متّحد، جایی که هم‌اکنون به تدریس مشغول است، شکل گرفته است. اسپيواك در کتاب منتقد پسااستعماری (۱۹۹۰) خود را روشنفکری پسااستعماری می‌نامد که بین آرمان‌های سوسیالیستی جنبش استقلال ملی هندوستان و مرده ریگ یک سیستم آموزشی استعمارگرا گرفتار شده است.

در یکی از لحظات ناب هجو خویشتن^۲، اسپيواك خود را با شخصیت پدر دائم‌الخمر در یکی از نمایش‌نامه‌های حنیف کریشی^۳ درباره‌ی مهاجران جنوب آسیا در بریتانیا مقایسه می‌کند. در این نمایش‌نامه که (رختشوی خوشگل من)^۴ نام دارد، این شخصیت به «زبانی قدیمی» با اصطلاحات «سوسیالیستی» را با لهجه‌ای مربوط به دوران استعمار سخن می‌گوید. (اسپيواك ۶۵:۱۹۹۵)

گایاتری چاکراورتی اسپيواك در ۲۴ فوریه ۱۹۴۲ در سال قحطی بزرگ و پنج سال قبل از استقلال هندوستان از سلطه‌ی استعماری انگلیس، در کلکته متولد شد. او در سال ۱۹۵۹ از کالج دانشگاه کلکته با رتبه‌ی ممتاز و درجه‌ی اول برای درس‌های ادبیات بنگالی و انگلیسی فارغ‌التحصیل شد. از این نظر می‌توان تحصیلات او را از بقایای سیاست‌های آموزشی دوران استعمار به شمار آورد که در هندوستان از دوران امپراتوری بریتانیا در قرن نوزدهم باقی مانده بود.

1. Third world

2. Self-parody

3. Hanif Kureishi

4. *My beautiful Launderette*

توماس بابینگتن مک اولی^۱ کاردار^۲ استعماری و تاریخ‌نگار انگلیسی در اوایل قرن نوزدهم نوشته بود که سیاست‌های امپراتوری بریتانیا درباره‌ی آموزش در هندوستان می‌خواهد از طریق یک سیستم آموزشی ارزش‌های فرهنگی بریتانیایی را در هندیان طبقه‌ی متوسط نهادینه سازد.

برای مک اولی و دیگر دیوان‌سالاران بریتانیایی آن زمان، آموزش ارزش‌های فرهنگی انگلیسی به طبقه‌ی متوسط بالای جامعه‌ی هندوستان با این نیت انجام می‌گرفت که هندیان طبقه‌ی متوسط به روش فرهنگ امپراتوری بریتانیا آموزش دیده و از روشنگری برخوردار شوند. به زعم آنان، روش‌های فرهنگی بریتانیایی هم از جهت اخلاقی و هم از جهت سیاسی بر سایر روش‌ها برتری داشت.

بریتانیایی‌ها با به‌کارگیری چنین سیاست‌ها و رفتاری سعی داشتند هندیان طبقه‌ی متوسط را متقاعد کنند که سلطه‌ی استعماری بهترین نتایج را برای هندوستان در بر خواهد داشت.

از دید اسپیواک، آموزش ادبیات انگلیسی در هندوستان دوره‌ی استعمار روشی بود مکارانه و در عین حال مؤثر برای تحقق بخشیدن به مأموریت متمدن‌سازی^۳ امپریالیسم. نقد ادبی اسپیواک این کارکرد ایدئولوژیک ادبیات انگلیسی را در جامعه‌ی استعماری مورد انتقاد قرار می‌دهد. برای مثال، او در مقاله‌ی «سه متن از سه زن و نقدی بر امپریالیسم»^۴ (۱۹۸۵) تأکید می‌کند که خواندن ادبیات انگلیسی قرن نوزدهم نباید بدون یادآوری این نکته امکان‌پذیر باشد که امپریالیسم به‌عنوان یک مأموریت^۵ اجتماعی، بخشی حیاتی از تصویر انگلیس برای

1. Thomas Babington Macaulay (1800-59)

2. administrator

3. civilizing

4. Three Women's Texts and a Critique of Imperialism (1985)

5. mission

انگلیسیان بود (اسپیواک ۱۹۸۵: ۲۴۳).

اسپیواک در سال ۱۹۵۹ هندوستان را برای گرفتن مدرک فوق‌لیسانس در دانشگاه کرنل^۱ ترک کرد. پس از آن به‌عنوان دانشجوی بورسیه یک‌سال به کالج گرتون^۲ در کمبریج انگلستان رفت. با این حال، سنت روشنفکری چپ‌گرا و تفکر ضدامپریالیستی‌ای که از آغاز قرن بیستم در هند فراگیر شده بود به‌طور ضمنی کار اسپيواک را تحت تأثیر قرار می‌داد. همان‌گونه که یکی از نقّادان پسااستعماری مطرح، رابرت یانگ^۳، تأکید می‌کند، درک بهتر تفکر اسپيواک وقتی ممکن می‌شود که آن را در زمینه‌ی مباحثات سیاسی موجود در داخل هند بررسی کنیم. این مباحثات به این نکته می‌پردازند که هرچند نظریه‌ی مارکسیسم اروپایی کلاسیک در زمینه‌ی مبارزات ضداستعماری به کار گرفته شد اما سوسیالیسم هند نتوانست تاریخ‌های مبارزات زنان، طبقات زیرین جامعه، جوامع قبیله‌ای و زارعان روستائین را در جامعه‌ی هندوستان به رسمیت شناسد (یانگ ۲۰۰۱: ۵۲-۳۵۰).

پس از پایان مدّت بورسیه‌ی پژوهشی در انگلستان، اسپيواک به آمریکا برگشت و به‌عنوان استاد در دانشگاه آیووا^۴ مشغول به کار شد و هم‌زمان به تکمیل پروژه دکتری خود بر روی آثار شاعر ایرلندی دبلیو. بی. ییتز^۵ (۱۹۳۹-۱۸۶۵) در دانشگاه کرنل در ایالت نیویورک پرداخت. استاد راهنمای او نقاد ادبی معاصر پل دومان^۶ (۱۹۱۹-۸۳) بود.

سیاستِ واسازی

استاد اسپيواک، پل دومان، پس از فیلسوف فرانسوی، ژاک دریدا^۷

1. Cornell University

2. Girton College

3. Robert Young

4. University of Iowa

5. W. B. Yeats (1865-1939)

6. Paul deMan (1919-83)

7. Jacques Derrida (1930-)

(۱۹۳۰-) یکی از برجسته‌ترین حامیان جدی واسازی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی در آمریکای شمالی به حساب می‌آید (به توضیحات درباره‌ی دریدا و واسازی در صفحه‌های ۲۶ و ۲۷ توجه نمایید). رویکرد دومان به خوانش متون بر این نکته تأکید می‌ورزد که معنای متون ادبی پایدار و شفاف نیست بلکه اساساً تعیین‌ناپذیر و بنابراین، همواره به روی تأملات بیشتر گشوده است. از دیدگاه دومان، انجام عمل نقد ادبی به معنای تدوین یک تفسیر صحیح واحد از متن نیست بلکه معتقد است متون در درون خود نقاط کوری دارند که همواره به صورتی اجتناب‌ناپذیر به خطاها و خوانش‌های نادرست^۱ می‌انجامند.

بدون شک، نظریه‌ی واسازی دومان در خوانش‌های اولیه‌ی اسپیواک از بایگانی‌های دوران استعمار بریتانیا و تاریخ‌نگاری دولتی هند مؤثر بوده است؛ هم‌چنین، خوانش او از شعر بلند «پیش‌درآمد»^۲ سروده‌ی ویلیام وردزورث^۳، رمان به سوی فانوس دریایی^۴ نوشته‌ی ویرجینا وولف، آثار ویلیام باتلر ییتز و خصوصاً مقدمه‌ی تخصصی و خلافت‌نامه‌اش بر کتاب درباره‌ی دستورشناسی^۵ متأثر از دیدگاه‌های پل دومان است. از دید برخی خوانندگان، وفاداری اسپیواک به واسازی ممکن است در تقابل با تعهد سیاسی برای پیشبرد آرمان‌های گروه‌های اقلیتی، به نظر امری شگفت‌انگیز جلوه کند. با این همه، آیا پافشاری واسازی بر این مضمون که معنای متون اساساً ناپایدار و نامعین است الزاماً تأثیرگذاری هرنوع مداخله‌ی سیاسی را تضعیف می‌کند؟

از دیدگاه اسپیواک تلقی عمومی از واسازی که آن را نحله‌ای غیرسیاسی و نسبی‌گرا می‌داند، برداشتی فروکاسته شده و ساده‌انگارانه است. اسپیواک، از همان ابتدا به طور دائمی و مجاب‌کننده‌ای نشان داده

1. misreading

2. The Prelude

3. William Wordsworth

4. *To the Light House*

5. *of Grammatology*

است که واسازی ابزار سياسی و نظری قدرتمندی به حساب می‌آید. یکی از روش‌هایی که اسپيواک از آن طریق ارزش سياسی واسازی را نمایان ساخته، تمرکز بر نقاط کور بدیعی^۱ و یا خطاهای بدیعی فرض شده‌ای هستند که به مفاهیم سنتی استحکام می‌بخشند. اسپيواک مانند دیگر متفکران مطرح هم چون ژاک دریدا، ارنستو لاکلا^۲ و ادوارد سعید عناصر متنی را که دریافت ما از جهان اجتماعی را شکل می‌دهند برجسته ساخته و بدین ترتیب تقابل دوگانه بین متون فلسفی و ادبی و آن‌چه جهان واقعی خوانده می‌شود را زیر سوال برده است.

اسپيواک، هم چون سعید و دریدا، روشی را مورد تحلیل قرار می‌دهد که به وسیله آن جهان واقعی از طریق شبکه‌ای از متون برساخته شده است. این متون از بایگانی‌های استعماری بریتانیا گرفته تا سیاست‌های خارجی ایالات متحده، گزارش‌های کامپیوتری بازار دادوستد بورس و گزارش‌های بانک جهانی در مورد بدهی‌های جهان سوم را شامل می‌شود. اسپيواک با این بررسی‌ها، هرچه بیشتر سعی در به چالش کشیدن بعضی از ایده‌های غالب در مورد جهانی‌سازی دارد. یکی از این ایده‌ها این است که سرعت و انعطاف نوین فناوری، گردش مؤثر و بین‌المللی انسان‌ها، پول، و اطلاعات را میسر کرده است. چنین دیدگاه غالبی آشکارا این واقعیت را نادیده می‌گیرد که گردش سودآور پول و اطلاعات در انحصار ملل ثروتمند صنعتی یا جهان پیشرفته است درحالی‌که اکثریت وسیعی از جمعیت جهان در فقر و محرومیت روزگار می‌گذرانند.

اسپيواک بر این واقعیت تأکید می‌کند که متون اقتصادی مربوط به جهانی‌سازی در خدمت منافع مالی فراوانی هستند که با نشان دادن جهان از دیدگاه مسلط و موقعیت ژئوپولیتیک جهان صنعتی و به قیمت

1. Rhetorical

2. Ernesto Laclau

بی بهره ماندن بقیه‌ی مردم محروم جهان به دست می‌آیند. این چالش عمیق درباره‌ی حقیقی بودن ادعاهای دموکراسی غربی و جهانی‌سازی، تمرکز و اساسی را از تحلیل متن ادبیات یا فلسفه به حیطه‌ی متون اقتصادی و سیاسی گسترش داده است. چنان‌که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، این تغییر در کانون تمرکز باعث می‌شود که هر نوع عمل خواندن واجد نتایج سیاسی پررنگ‌تری بشود.

